

طعم
خوش
زندگی

Sweet taste of life

حملات کوتاه و الهام بخش
گردآورنده و مترجم
مرضیه بدیهی

سرشتنامه

عنوان و نام پدیدآورنده
طراح جلد صفحه آرایی
ناشرین علمی

بدیعی - خراسانی، ۱۳۶۹

طبع: خوش رنگی - خراسانی بدیعی
زهرا کیشاورز سر
دکتر غلامعلی افروز
دکتر محمدباقر کجصف
دکتر غلامرضا کاظمی - بینائی
دکتر مسعود سربقی

دکتر اسداللهی

آقای دکتر محمد موحدی
اکبر سحرابی - زهرا سربقی
اصفهان سر دارخوین، ۱۳۹۵

ج ۳

ج ۱۶۴-۶۰-۳۸۰-۹۷۸

ج ۴۶۴-۶۰-۳۸۰-۹۷۸

قیما

فارسی - انگلیسی

کلمات قصار

Quotations

مستاهیر - کلمات قصار

Celebrities-Quotations, maxims, etc

نکته گوئی ها و گزیند گوئی ها

Aphorisms and apothegn

PN ۶۰۹۵۱۳۶۵

۸۰۰۸۸۲

۴۶۱۴۷

ویراستار ادبی
ویراستار انگلیسی
مسئله‌ها سر
مسئله‌ها ظاهری
سایک

وضعیت فهرست

یادداشت

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

رده‌بندی کنگره

رده‌بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی

سلام به شما، ای خوب! ای مهربان!

این مقدمه را با نام دوستی که همواره یارِ بگر و روشنگرِ راه بوده و این بار هم، همچون گذشته بستنیان و روشنیایی بخشِ راهم خواهد بود، آغاز می‌کنم.

خوب! ای مهربان، مرا به لطف خود بخوان، که تا عمر کنم به آب، هوا، به ابرها، به آسمان!

دوست عزیزم! عمر آدمی آنقدر طولانی نیست که یکجا با حقایق زندگی را برای کسب تجربه ببیماید و با آن جنگ برای به کار بردن تجربه‌ها.

در زندگی با بیاد در یادِ هر یک از آن‌ها و قدم در جاده زندگی بگذاریم.

مسیری که در طول آن به راهنمایی حضور دارد و به چراغی به خودِ راهِ چراغِ روشنِ آگاهی مجهز کنی و سپس با ایمان و اطمینان با در راه بگذاری، تویی که راه درسه و هیچ سیرس بود راه بگویند که چون باید رفت!

دوست عزیزم زندگی را خودت می‌سازی و نه زودی خواهی فهمید مهم نیست چند نفر مهمان موسیقی زندگی ات می‌شوند مهمان‌ها می‌آیند و می‌روند و فقط خودت تا آخر شنوده خواهی

یادت باشد مهم این است که دشواری بیوزنی گشت
تا آخر از این موسیقی لذت ببری و نلست شوی
و برای خودت دست بزنی.

و به یاد بسیاری که انسان بزرگ نمی‌شود جز
به وسبب‌های فکرش، شریف نمی‌شود جز به
واسطه‌ی رفتارش و قابل احترام نمی‌گردد جز
به سبب اعمال نیکش.

بسی قدر دادن لحظات باش و از تجارب دیگران
بهر ببر و موسیقی زندگی خور رزق بی‌وزن.

زندگی را نفسی ارزش نیم خوردن نیست
آفتاب را بهر چه که در آفتاب نیست.

یا

این نفس است که می‌آید به دست پس به
شادی بگذرانش تا که هست.

در این عصر هیچ مجال برای بی‌یکدیگر بودن
یافت نمی‌شود نه از هم‌شماران و نه از کنار یکدیگر
بودن درس بیاموزیم.

نسل ما اسیر سکوت‌های تلخ و بی‌عفت است
ایدران ما اگر زمره می‌گردند که منتظر از
همزیانی بهتر است. اما در روزگار ما حتی مرخص

همزیستی هم کم شده!

کتاب حاضر مجموعه‌ای است از دل نوشته‌های
انسان‌هایی بزرگ و تجربه‌هایی گران‌سنگ.

اگر مخاطب، جنبشی از آن‌ها در اندیشه خود
پدید آورد، به پیشی دست‌آورده‌های او و آزادتر
دست خواهد یافت.

مجموعه این جنبش، بی‌پردن به خواسته‌های
فیزیکی - انسانی و نگاهی مدبرانه به چشم
آزادی هر شخصی است.

رسول خدا (ص) فرمودند: کسی که اندیشه‌اش
کم باشد ساختن فراوان خواهد بود.

اگر حضرت مولانا فرماید: ای برادر تو همه
اندیشه‌ای، مایه‌ی نفاق است، جوان و ریشه‌ای،
بر همین نکته تاکید دارد که شخصیت تو را
ذهنیت و اندیشه تو می‌سازد و نه پست و مال و
موقعیت‌های رودگذر و... یعنی همان که گفت:
شما آن چنان که بسوز دارید، غرض می‌کنید
در واقع، بسوز (Believe) را می‌سوزانید. Believe
دانش؛ یعنی انسان‌ها بر اساس نورشان زندگی
می‌کنند (سوزی هنجار).

اوشو عارف بزرگ هندی معتقد است هستی
برای شما همان چیز است که خود شما هستی!

این اصل مفهوم والاسری نیز دارد: اگر می‌خواهید جهان را تغییر دهید باید نخست خودتان تغییر کنید.

این عبرت روی سنگ قبر یک کنش‌پیش‌پوشه شده است: "جوان و آزاد که بودم، تصورانه هیچ محدودیتی نداشتم و در خیال خود می‌خواستم که دنیا را تغییر بدهم... پیرایه و عاقل‌تر که شدم فهمیدم که دنیا تغییر نمی‌کند. بنابراین توقعم را کم کردم و به تغییر دادن کشورم قناعت کردم. ولی کشورم هم نمی‌خواست تغییر کند... به میانسالی که رسیدم آخرش توانایی‌هایم را به کار گرفتم که فقط خانواده‌ام را خوشتر کنم ..."

ولی پادشاه خدا، آن‌ها هم نمی‌خواستند عوض شوند... و این‌ک که در بسترم آرامید ام، ناگهانی در یافته‌ام که اگر فقط خودم را عوض می‌کردم، خانواده‌ام هم عریض‌تری شود و با پشت‌گر می‌آن‌ها می‌توانستم کشورم را به عوض کم ... که می‌دانند که شاید می‌توانستند دنیا را هم تغییر دهند.

هر کجا هستید، در هر موقعیتی، سطح اجتماعی که قرار دارید، صرف نظر از گذشته‌ی موفق یا ناکامی که پشت سر گذاشته‌اند، دنیا بدلیله و باور کنید که آینده از آن شماست.